

فصلنامه جهان نوین

No 6,1, 2023 , P 48-61

سال ششم، شماره بیست و دوم، تابستان ۱۴۰۲، صص ۶۱-۴۸

(ISSN) : 2645 - 3479

شماره شایا: (۳۴۷۹ - ۲۶۴۵)

تحلیل جامعه شناختی بزهکاری نوجوانان

محمد حسینی^۱، هیرو حسینی^۲، سلیمان باقی نژاد^۳

چکیده

بزهکاری را اگر هر گونه فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد و همچنین رفتاری که مخالف هنجارهای پذیرفته شده عمومی باشد بدانیم، به افزایش بزهکاری در میان نوجوانان را با نگاهی به آمارهایی که کانون‌های اصلاح و تربیت اعلام می‌کنند، اخباری که از روزنامه‌ها و رسانه‌های جمعی دیگر اعلام می‌شود و همچنین با نگاهی به محیط اطراف خود، خیابان‌ها و پارک‌ها و... به صورت محسوس درک خواهیم کرد و از آنجا که نوجوانان برای جبران و اصلاح زمانی کافی در اختیار دارند، می‌توان با پیشگیری از بزهکاری نوجوانان از وقوع جرم در دوره جوانی و بزرگسالی آنان پیشگیری کرد و امنیت اجتماعی نیز دچار ضربه‌های جبران ناپذیر نشود. در این تحقیق به تبیین جامعه شناختی علل بزهکاری نوجوانان پرداخته شده است و بصورت مطالعه مروری و تحلیل تطبیقی با چارچوب نظری تراویس هیرشی و گات فردسون به بررسی علل بزهکاری پرداختیم و در نتایج تحقیق بیان نموده‌ایم که، پیوند اجتماعی ناقص و خویشتن‌داری پایین علل بزهکاری نوجوانان می‌باشد.

کلیدواژه: بزهکاری، پیوند اجتماعی، خویشتن‌داری، نوجوانان

۱-دانشجوی کارشناسی حقوق و کارشناسی ارشد جامعه شناسی. بوکان. ایران. Hosaini1987@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی

۳- کارشناس آموزش و پرورش

مقدمه

از بخش‌های اصلی جمعیت کشور ما، جمعیت نوجوان و جوان می‌باشد و بخش افزونی از جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهند. این جمعیت که در اوج فعال دوره زندگی خود هستند، باید به شیوه گوناگون توسط نهادهای اجتماعی و خانواده تحت حمایت و آموزش قرار گیرند که در مسیر هنجار رسمی جامعه گام بردارند. متأسفانه هر روز در رسانه‌های جمعی اخبار و حوادث مربوط به بزهکاری نوجوانان شنیده می‌شود. در خیابان و کوچه‌ها شاهد انواع بزهکاری از نوجوانان هستیم، در مدرسه‌ها هراز گاهی دانش‌آموزان بخاطر بزهکاری اخراج می‌شوند. آمارهای کانون‌های اصلاح و تربیت و زندانیان هر روز افزایش پیدا می‌کند. اتفاقات روزمره که حول مسائل نوجوانان می‌باشد، اهمیت پرداختن به موضوع بزهکاری نوجوانان را بیش از پیش مهم‌تر می‌نماید و در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کارشناسان و مسئولین را واداشته که به صورت جدی‌تر به بررسی مسائل مربوط به بزهکاری نوجوانان بپردازند.

بیان مسئله

جوامع بشری از دیر باز با مشکلات گوناگون اجتماعی روبه‌رو بوده است. در عصر حاضر تمام کشورهای با انحرافات اجتماعی همچون بزهکاری نوجوانان و قتل و خودکشی و... مواجه هستند. بزهکاری نوجوانان به عنوان رفتار غیرمعمول یکی از اشکال انحرافات اجتماعی است و گسترش آن حیات اجتماعی را به خطر می‌اندازد. و به خاطر نقش مؤثر جوانان در آینده جامعه، از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل توجه محققین (جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و روان‌شناسان) را به خود جلب کرده است. در جامعه ایران رفتارهایی از قبیل دزدی، خشونت علیه افراد، تخریب، اعتیاد، و انحرافات جنسی، بزهکاری‌هایی‌اند که از نوجوانان گزارش شده است و هر سال بر تعداد این بزهکاری‌ها افزوده می‌شود.

در این بحث این سوال پیش می‌آید که نوجوانان بزهکار کیست؟ از نظر مارشال بزهکاری به اعمالی اشاره دارد که منع قانونی دارند و توسط افراد ۱۲ تا ۱۸ سال انجام می‌شود. بزهکاری به رفتارهای مشخصی که درون زمینه‌های فرهنگی متفاوت به عنوان یک رفتار منحرفانه در نظر گرفته می‌شود. بزهکاری برای دامنه وسیعی از رفتارها شامل تهاجم به ارزش‌های مقابل احترام، مثل فرار از مدرسه تا جرایمی مثل دزدی از مغازه، سرقت ماشین به کار می‌رود. (مارشال، ۱۹۹۸: ۱۴۶) جرم و بزه در کشور ما این چنین تعریف شده است: در تعریف جرم آمده است: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۲، مصوبه ۹۲) بنابراین بزهکار کسی است که رفتاری مخالف با قوانین داشته باشد. جامعه‌شناسان از دیرباز در ذیل جامعه‌شناسی انحرافات به بررسی جرم و بزه پرداخته‌اند. آنها از بررسی تاریخی

میزان‌های جرم در گروه بندی‌های سنی دریافتند که: این نتیجه را باید بدون هیچ چون و چرایی پذیرفت که افراد هرچه جوان‌تر باشند با این احتمال بیشتر روبه رویند که با دادسرا و دادستانی سر و کار پیدا کنند. به نظر می‌رسد بالا بودن سطح جرم برای گروه سنی جوان پدیده‌ای سخت پایدار است، که بیش از این در قرن ۱۹ همین موضوع یادآور شده است. از طرفی دیگر رفتارهای بزهکارانه نوجوانان ممکن است نشانه‌های برای جرایم دوره جوانی و بزرگسالی باشد (طالبان، ۱۳۸۳). بنابراین ما در این تحقیق که بصورت مروری و اسنادی صورت گرفته است می‌خواهیم این مسئله را مطرح کنیم که علل اجتماعی موثر بزهکاری نوجوانان؛ کدام عوامل هستند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

مطالعه‌ی بزهکاری نوجوانان در ایران اهمیت مضاعفی دارد زیرا جامعه‌ی ایران از نظر ساختار جمعیتی، کشوری با جمعیت جوان است. جمعیت نوجوان ۱۵ تا ۱۹ ساله طبق ارقام سرشماری سال ۱۳۹۰ چیزی در حدود ۶ میلیون نفر یعنی حدود ۸ درصد جمعیت کل می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). بزهکاری در میان این جمعیت نه فقط نگرانی دولتمردان بلکه نگرانی اغلب خانواده‌ها است. از سوی دیگر توجهی که امروزه به بزهکاری نوجوانان می‌شود، که بزهکاری نوجوانان مقدمه‌ای برای بروز جرم و خلل در امنیت اجتماعی کشور می‌باشد. بزهکاری نمایش تزلزل در خود جامعه است و نشانگر شکست جامعه در انتقال ارزش‌های مثبت اجتماعی به نوجوانان خود محسوب می‌شود (طالبان، ۱۳۸۳). بنابراین شناسایی عواملی که منجر به بزهکاری نوجوانان می‌شود، نهادهای اجتماعی را قادر می‌سازد که در رویکردها و برنامه‌ریزی‌های خود برای برقراری نظم اجتماعی پایدار عملکرد بهتری داشته باشند.

اهداف تحقیق

- هدف اصلی: تبیین علل اجتماعی بزهکاری نوجوانان.
 - هدف جزئی: شناسایی راهکارهایی برای پیشگیری از بزه نوجوانان.
- بر اساس تحقیقات انجام گرفته، عوامل اجتماعی موثر بر بزهکاری نوجوانان شناسایی و تبیین می‌شود.

سوالات تحقیق

- عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان، کدام عوامل هستند؟
- کدام یک از عوامل بزهکاری نوجوانان تاثیر گذارتر هستند؟

پیشینه تحقیق

- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۳) در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل ساختاری بزهکاری نوجوانان در در میان پایه سوم دبیرستان غیرانتفاعی و دولتی منطقه پنج تهران» انجام داد که در نتایج تحقیق بیان داشته است که خرده فرهنگ بزهکاری بیشترین تاثیر را بزهکاری نوجوانان دارد.

- مشکانی، محمد رضا و مشکانی، زهرا السادات (۱۳۸۱) تحقیقی تحت عنوان «سنجش عوامل بیرونی و درونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان» انجام داده است. در نتایج تحقیق بیان کرده است که سه عامل وابستگی به خانواده، باورها و ارزش‌ها و ارتباط با بزهکاران روی بزهکاری نوجوانان تاثیر می‌گذارد.
- جلالی پور، حمید رضا و حسینی نثار، محسن (۱۳۸۷) تحقیقی تحت عنوان «عوامل اجتماعی موثر بر بزهکاری جوانان شهر رشت» است که در نتایج تحقیق بیان کرده است که نوجوانانی که خویشن‌داری ضعیفی دارند و پیوند اجتماعی آنها نیز ضعیف است و آمادگی بیشتری برای بزهکاری دارند.
- احمدی، حبیب و خواجه نوری، بیژن و موسوی، سید مجید (۱۳۸۸) تحقیقی تحت عنوان «عوامل مربوط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی» در شهر آباد انجام داده‌اند که در نتایج بیان کرده‌اند که گروه‌های همسالان در تقویت بزهکاری موثرند و تقویت هویت مذهبی نیز بر کاهش بزهکاری دانش‌آموزان موثر است. همچنین کاهش برنامه‌های خشونت جمعی رسانه‌های جمعی در کاهش بزهکاری نوجوانان موثر است.
- عباسی، مختار (۱۳۸۵) تحقیقی تحت عنوان «نقش عوامل خانوادگی موثر بر بزهکاری نوجوانان» انجام داده است که در نتیجه تحقیق بیان کرده است که خشونت و سن والدین و انحراف والدین و بی‌سوادی والدین و کشمکش و طلاق در خانواده از عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان می‌باشد.
- چلبی، مسعود و روزبهانی، توران (۱۳۷۷) تحقیقی تحت عنوان «نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان» انجام دادند که در نتایج بیان کردند که اختلال در نظم خانواده و عدم همدلی و همبختی و همچنین و حکومت اعضای خانواده در میزان بزهکاری نوجوانان موثر است. همچنین گرایش و تعهد مذهبی در کاهش جرم نوجوانان تاثیر مستقیم دارد.
- نوری، زینب (۱۳۸۶) تحقیقی تحت عنوان «تاثیر خانواده نابسامان در گرایش فرزندان نوجوان به بزهکاری شهر اهواز انجام داده است که در نتایج بیان می‌کند که شیوه تربیت مستبدانه و سهل‌گیرانه هر دو در گرایش جوانان به بزهکاری موثر است. اشتغال به کار نوجوان و ترک تحصیل و کشمکش‌های والدین و انحراف والدین و دوستان ناباب در سوق نوجوانان به بزهکاری موثر است.
- عباسی، محمدی اصل (۱۳۸۴) تحقیقی تحت عنوان «جامعه‌پذیری بزهکاری نوجوانان در تهران» انجام داده است که در نتیجه تحقیق بیان می‌کند که نابسامانی خانوادگی، احساس تبعیض در آموزش و دوستان ناباب عوامل موثر در بزهکاری می‌باشد.
- سالار، ملیحه (۱۳۸۴) تحقیقی تحت عنوان «بررسی ساختاری علل بزهکاری نوجوانان» انجام داده است که در نتیجه بیان می‌دارد که عوامل سن و میزان تحصیلات و پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین بر بزهکاری نوجوانان موثر می‌باشد.

- علیخانی، حمزه و محمدی، احمد رضا (۱۳۸۹) «تحقیقی تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی موثر بر بزهکاری نوجوانان و جوانان خوزستان» انجام داده اند که درنتایج بیان کردند که عدم احترام به قانون، دوستان ناباب، زندگی در محله‌های جرم خیز، تعهدات مذهبی ضعیف و عدم انسجام خانوادگی باعث بزهکاری نوجوانان در خوزستان می‌باشد.

مبانی نظری

بزهکاری نوجوانان از دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناختی مثل ساختارگرایی، فرایند اجتماعی شدن و تضاد مورد بررسی قرار گرفته است. اما ما در این تحقیق برای تبیین علل بزهکاری نوجوانان از نظریه تلفیقی استفاده خواهیم کرد. نظریات ساختاری جرم و کجرویی را ناشی از تنش ساختاری و نبود نظم و ترتیب اخلاقی در جامعه می‌دانند. اگر آرزوها و خواسته‌های افراد و گروه‌های جامعه با مواهب و پاداش‌های موجود تطابق نداشته باشد، اختلاف بین آرزوها و تحقق آنها به محرک کجروی برای برخی از اعضای جامعه مبدل می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۰) از دیدگاه ساختارگرایی نیروهای اقتصادی و اجتماعی، ساکنان مناطق پایین اجتماعی را به انجام الگوهای رفتار مجرمانه سوق می‌دهند. بی‌نظمی اجتماعی رد مناطق پایین شهری و فقر نشین و باندهای نوجوانان که نظارتی بر آنها صورت نمی‌گیرد، از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی‌اند. آنها تاکید می‌کنند که که نیروهای اجتماعی بیشتر بر افراد نوجوان تاثیر می‌گذارد و این تاثیر در سراسر زندگی ادامه می‌یابد. مردمی که در شرایط اجتماعی نامتعادل زندگی می‌کنند تمایل به رفتارهای مشابهی دارند و چون میزان جرم در مناطق پایین شهری نسبت به مناطق متوسط بیشتر است، باید بر رفتار تاثیر داشته باشد. (سیگل، ۲۰۰۱: ۱۹۲)

نظریه‌های فرایند اجتماعی، بزهکاری را بر اساس طبقه اجتماعی تبیین نمی‌کنند بلکه بزهکاری را تابعی از جامعه پذیری افراد می‌دانند. این نظریه‌ها به تعامل افراد با سازمان‌های مختلف، نهادها و فرایندهای اجتماعی توجه می‌کنند. بسیاری از افراد تحت تاثیر روابط خانوادگی، روابط با همسالان، تجارب تحصیلی و تعامل با اشخاص مختلف مثل معلم، افسر پلیس، کارفرمایان هستند. اگر این روابط مثبت و حمایت باشد فرد می‌تواند نقش‌های خود را در جامعه به خوبی ایفا کند. اما اگر این روابط مخرب باشد دسترسی به موفقیت‌های مورد نظر امکان‌پذیر نیست و راه کارهای بزهکارانه جایگزین راه‌های عملی می‌شوند. نظریه‌های فرایند اجتماعی در یک مفهوم اساسی با هم مشترکند. همه افراد بدون توجه طبقه، نژاد یا جنس شان استعداد بزهکار یا مجرم شدن دارند. هرچند اعضای طبقه پایین فشارهای بیشتری را متحمل می‌شوند ولی با موفقیت تحصیلی و روابط مثبت با همسالان و حمایت خانوادگی جبران می‌شود. برعکس حتی اکثر اعضای ثروتمند جامعه ممکن است به رفتارهای ضد اجتماعی روی بیاورند، به شرطی که تجارب زندگی شان غیرقابل تحمل یا مخرب باشد. (همان: ۲۲۴)

کتاب جرم‌شناسی نوین توسط تیلور، والتن و یانگ انتشار یافت. این نویسندگان با اقتباس عناصری از تفکر مارکسیستی استدلال کردند که کجروی روشی است که با انتخاب عمدی در پیش گرفته می‌شود و غالباً ماهیت سیاسی دارد. بر اساس استدلال آنها افراد در پاسخ به نابرابری‌های نظام سرمایه‌داری رفتار کجروانه را فعالانه انتخاب می‌کنند. آنها کجروی را بر پایه ساختار جامعه و صیانت از قدرت در میان طبقات حاکم استوار ساختند. تاکید مطالعات مذکور این بود که جرم و جنایت باید در همه سطوح جامعه رخ می‌دهد و آن را باید در متن و زمینه نابرابری‌ها و منافع متضاد گروه‌های اجتماعی درک کرد. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۸).

نظریه‌های تضاد بر این باورند که ساختار اساسی اقتصادی و اجتماعی جامعه، رفتار افراد را شکل می‌دهد نه فرایندهای جامعه‌پذیری یا گروه‌های همسالان و الگوهای خرده فرهنگی. تضاد گرایان سعی کردند که جرم را درون بافت‌های اقتصادی و اجتماعی توضیح دهند و ارتباط بین طبقه‌ی اجتماعی، جرم و کنترل اجتماعی را بیان کنند. نظریه‌های تضاد به جرم به عنوان پیامد مبارزه‌ی اجتماعی نگاه می‌کنند و مدعی‌اند که توزیع متفاوت قدرت‌ها در جوامع متکثر موجب می‌شود که برخی از گروه‌هایی که از سهم کافی از قدرت برخوردارند، بتوانند قوانین و مقرراتی را به نفع خودشان و به ضرر گروه‌های رقیب تصویب کنند (رید، ۲۰۰۰: ۱۴۲-۱۴۱) در چنین بستری بزهکاری شکل می‌گیرد.

از دیدگاه تلفیقی نظریه‌های تک عاملی نظیر ساختار اجتماعی و فرایند اجتماعی نمی‌توانند تبیین کاملی از جرم ارایه کنند. چون جرم مفهوم پیچیده‌ای است و در برگیرنده‌ی برداشت مجرم، قربانی، افراد و عاملان کنترل اجتماعی است. نظریه عمومی جرم بر نظریات تلفیقی مسلط است. این نظریه که توسط تراویس هیراشی و میشل گات فردسون در سال ۱۹۹۰ در بازسازی و تعدیل نظریه کنترل اجتماعی هیرشی مطرح شد، مفاهیم نظریه کنترل را با دیدگاه‌های زیست اجتماعی، روان‌شناختی و فعالیت روزمره و نظریه انتخاب عقلانی ترکیب می‌کند، از این دیدگاه جرم امری منطقی، عقلانی و پیش‌بینی‌پذیر است، افراد زمانی مرتکب جرم می‌شوند که این امر پاداش‌دهنده باشد و تهدید برای مجازات می‌تواند جلوی جرم را بگیرد اگر هدف‌های مورد نظر فرد مراقبت شوند میزان جرم کاهش می‌یابد. گات فردسون و هیرشی و فردسون در پاسخ این به این سوال که چرا مردم مرتکب جرم می‌شوند، می‌گویند: پاسخ ساده است زیرا جرم و فعالیت‌های مشابه ارضا کننده است. (جلای پور و حسینی نثار، ۱۳۸۷)

چارچوب نظری تحقیق

ما در این تحقیق برای تبیین علل بزهکاری نوجوانان از نظریه تلفیقی استفاده خواهیم کرد. از نظر گات فردسون و هیرشی تمایل به ارتکاب جرم بستگی به «خویش‌داری» دارد. مفهوم اصلی این دیدگاه «خویش‌داری پایین» پایین است. اشخاصی که خویش‌داری پایین دارند، ویژگی‌های متفاوتی دارند. اولاً اینکه آنها به دنبال خشونت فوری با

یک نگرش اینجا و اکنونی هستند. در مقایسه خویشتن‌داری بالا با توانایی به تعویق انداختن خشونت همراه است. دوماً اینکه افرادی که خویشتن‌داری پایین دارند از شیوه‌های آسان برای برآورده کردن خواسته‌هایشان استفاده می‌کنند. سوماً آنها نیازهایشان را با ارتکاب به جرم که با خطرپذیری، چالاکی و فریب کاری همراه است برطرف می‌کنند. در مقایسه افرادی که خویشتن‌داری بالا دارند به احتیاط، اندیشیدن و استدلال گرایش دارند. چهارم آنکه افرادی که خویشتن‌داری پایینی دارند به دنبال کسب مهارت‌های فکری و عملی نیستند، پنجم اینکه اشخاصی که خویشتن‌داری پایین دارند خود محور، بی‌تفاوت و بدون حساسیت به رنج و نیازهای دیگران هستند. و در نهایت افرادی با خویشتن‌داری پایین تحمل کمی نسبت به ناکامی دارند و گرایش به پاسخ فیزیکی به شرایط دارند نه شیوه معنایی و زبانی. این افراد برای فعالیت‌های بزهکارانه در سراسر زندگی‌شان مستعدتر از افرادی هستند که خویشتن‌داری بالا دارند. خویشتن‌داری پایین با فرصت‌های جرم اثر متقابل دارند. زمانی که فرصت ارتکاب جرم وجود دارد، شخصی که خویشتن‌داری بالا دارد مستعد به ارتکاب این عمل نیست اما یک شخص با خویشتن‌داری پایین مستعد تسلیم شدن است. فردسون و هیرشی ادعا می‌کنند که نظریه آنها یک نظریه عمومی است که همه جرم‌ها را در تمام زمانها تبیین می‌کند. (گات فردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷-۹۰).

آنها معتقدند جرم سبب ارضای خاطر سریع و آسان فرد کج رفتار می‌شود و کسی مرتکب جرم می‌شود که دنبال ارضای خاطر سریع است و اهداف کوتاه مدتی در زندگی دارد و تمایل بیشتری به مصرف سیگار و الکل دارد از نظر این دو محقق ریشه خویشتن‌داری ضعیف را در خانواده و ناکارآمدی جامعه پذیری فرد در دوران کودکی یافت. (گات فردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۹۷-۹۰).

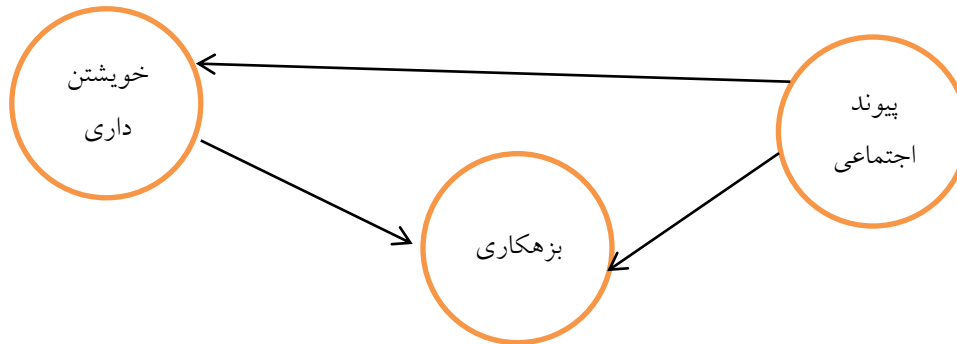
از این دیدگاه علل اساسی خویشتن‌داری پایین در اعمال تربیت نامناسب و ناشایسته کودکان است. خویشتن‌داری ضعیف در مراحل اولیه کودکی بسط می‌یابد و در سراسر دوره نوجوانی ثابت باقی می‌ماند. والدینی که در کنترل و مراقبت از رفتار بچه‌ها ناتوانند یا مخالف کنترل رفتارهای بچه‌ها هستند، با تشخیص رفتار انحرافی در بچه او را مجازات می‌کنند و این مجازات‌ها موجب می‌شود بچه خویشتن‌داری خود را از دست بدهد. (جلایی‌پور و حسینی نثار، ۱۳۸۷)

فرضیات تحقیق

خویشتن‌داری رابطه معکوس با بزهکاری دارد.

- پیوند اجتماعی رابطه معکوس با بزهکاری دارد.
- پیوند اجتماعی رابطه مستقیمی با خویشتن‌داری دارد.

مدل نظری تحقیق

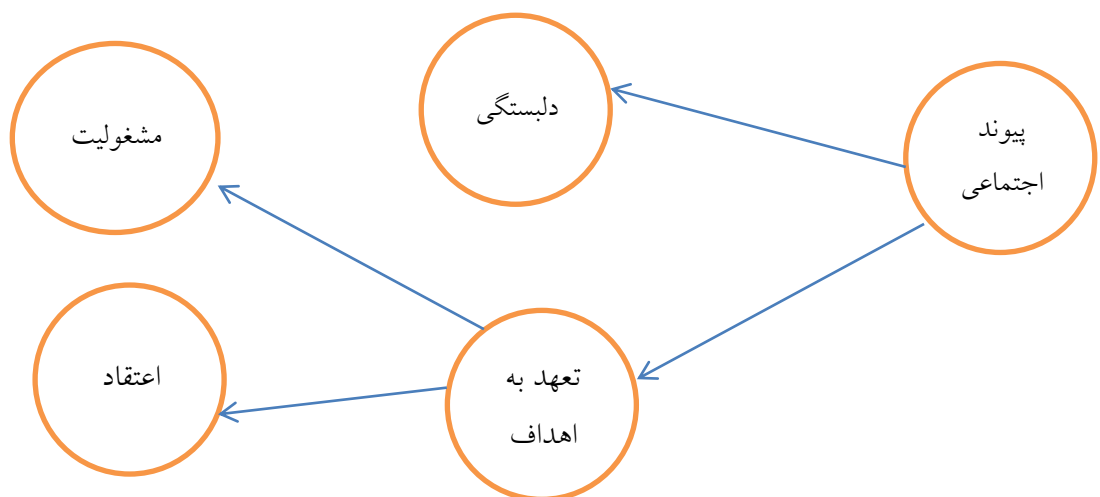


مفاهیم اصلی و ابعاد آنها

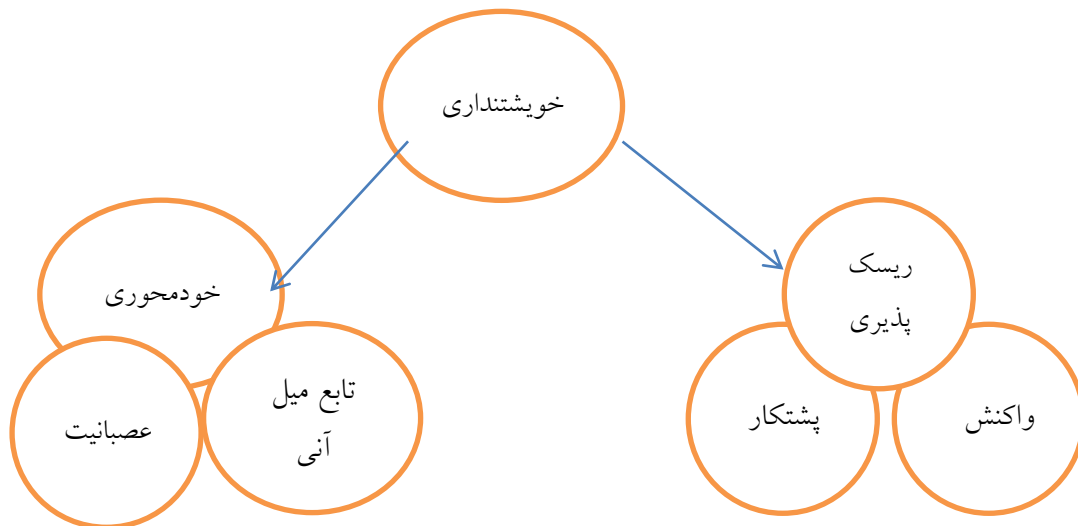
مفاهیم اصلی پژوهش عبارتند از: خویشتن داری، پیوند اجتماعی، دلبستگی، تعهد، مشغولیت، اعتقاد و بزهکاری نوجوانان می باشد.

متغیر پیوند اجتماعی:

بر میزان ارتباط فرد با دیگران دلالت دارد که چهار بعد دارد، دلبستگی، تعهد، مشغولیت، اعتقاد. (سیگل، ۲۰۰۱: ۲۳۸). متغیر دلبستگی به این معناست که فرد نسبت به دیگران حساس است. اگر فرد نسبت به دیگران حساس است. اگر فرد پیوند نزدیکی با آنها داشته باشد، احتمال اینکه مطابق با انتظار آنها رفتار کند و مراقب رفتارشان باشد بیشتر است. (دلبستگی به والدین و معلم و دوستان) متغیر تعهد، توعی سرمایه گذاری است که شخص در قراردادهای اجتماعی دارد و میزان خطری است که او در تخلف از قرار دادهای اجتماعی احساس می کند (مثلا از دست دادن شغل) که دو بعد دارد: متغیر مشغولیت، به معنای درگیری در فعالیت و مشارکت در برنامه های متنوع و متغیر اعتقاد، به معنای این است که فرد هنجارهای قراردادی و قوانین جامعه را می پذیرد و به آنها احترام می گذارد. (همان: ۲۳۹-۲۳۸)



خویشترن داری به میزان کتتری که فرد در برابر فرصت‌های بزهکاری بر خودش دارد، گفته می‌شود این متغیر شش بعد دارد: ریسک پذیری، واکنش معنایی و غیر معنایی، پشتکار داشتن، خود محور بودن، تابع امیال آنی بودن و عصبانیت. (گات فردسون و هیرشی، ۱۹۹۰: ۸۹)



متغیر بزهکاری نوجوانان: به آن اعمال نوجوانان گفته می‌شود که قانوناً ممنوعند یا از لحاظ اجتماعی قبیح شمرده می‌شوند. به عبارتی دیگر بزهکاری به اعمالی اشاره دارد که منع قانونی دارد و توسط نوجوانان گروه ده تا ۱۸ سال انجام می‌گیرد. (طالبان، ۱۳۸۳) بزهکاری برای دامنه وسیعی از رفتارها شامل تهاجم به ارزش‌های قابل احترام (فرار از مدرسه) تا جرایم کوچک و گاهی بزرگ (مثل دزدی از مغازه، زورگیری، سرفت منازل، مزاحم نوامیس و) را شامل می‌شود.

روش تحقیق

در این تحقیق تبیین علل اجتماعی بزهکاری از طریق مطالعه مروری و بررسی تطبیقی ۴ مقاله تحت عنوان عوامل اجتماعی موثر بر بزهکاری صورت گرفته است. فرضیات و نتایج بدست آمده از مقاله‌ها را در یک جدول دسته‌بندی و مفاهیم مشترک را طبقه بندی نموده و از خلال نظریات هیرشی و گات فردسون به بررسی نتایج بدست آمده تحقیقات انجام شده، پرداخته‌ایم و در نهایت عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان مشخص شده‌اند.

اعتبار و پایایی تحقیق

اعتبار تحقیقات مورد بررسی اعتبار سازه‌ای و محصوریتی بوده است و پایایی تحقیق از طریق آلفای کرونباخ تعیین شده است. این تحقیق بصورت مروری و مقایسه‌ای بوده است و اعتبار آن به شکل اعتبار محتوا ارزیابی شده است.

مرور مطالعات - گردآوری داده‌ها

عنوان	چارچوب نظری	عوامل موثر در بزهکاری
تحلیل کوواریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان، محمد رضا طالبان در دبیرستان غیر انتفاعی و دولتی منطقه تهران (۱۳۸۳)	دیدگاه تلفیقی (کنترل اجتماعی هیرشی و همنشینی افتراقی ساترلند)	عدم پیوند با خانواده عدم پیوند با مدرسه دوستان بزهکار
عوامل موثر خانوادگی در بزهکاری نوجوانان پسر در تهران، دکتر سوسن سیف (۱۳۷۹)	فرایند اجتماعی شدن	تحصیلات پایین پدر و مادر تنبیه بدنی در خانواده تبعیض در خانواده طلاق
بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی بزهکاری نوجوانان خوزستان، همزه علی خانی (۱۳۸۹)	تلفیقی	عدم احترام به قانون عدم صمیمیت با خانواده رابطه با دوستان مجرم عدم پایبندی مذهبی
بررسی ساختار اجتماعی علل بزهکاری نوجوان استان گرگان، ملیحه سالار (۱۳۸۴)	تلفیقی: نظریات جامعه پذیری و برجسب	سطح پایین سواد محل نامناسب سکونت درآمد نامناسب بزهکار بودن یکی از اعضای خانواده
بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی بزهکاری نوجوانان شهرستان آباءه، حبیب احمدی (۱۳۸۸)	نظریه خرده فرهنگی و کنترل اجتماعی	پایین پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین وابستگی به دوستان بزهکار عدم وابستگی خانواده و مدرسه پایین بودن سطح دینداری
بررسی تاثیر خانواده نابسمان در بزهکاری نوجوانان شهر اهواز، زینب نوری (۱۳۸۹)	تلفیقی	دوستان ناباب پسین بودن پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین کشمکش والدین طلاق فوت یکی از والدین

بر اساس مطالعات انجام شده و رویکردی تلفیقی که محققان به مسئله بزهکاری نوجوانان داشته‌اند عوامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی نامناسب، دوستان بزهکار، کشکش‌های خانوادگی و عدم پیوند نوجوان با خانواده و عدم پایبندی به عقاید دینی از مهمترین عوامل موثر بر بزهکاری نوجوانان می‌باشد.

تحلیل یافته‌ها و نتایج

ما براساس یک مرور بر مطالعاتی که از پیش انجام شده به یک سری از عوامل بزهکاری نوجوانان دست پیدا کردیم که عوامل از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی که اکثراً تلفیقی و متضمن دیدگاه تراویس هیرش و ساترلند بوده است. ما در ابتدای تحقیق براساس نظریات تلفیقی گات فردسون فرضیاتی را مطرح کردیم که بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیقات بررسی شده به تایید یا رد فرضیات می‌پردازیم.

فرضیه اول: خویشن‌داری رابطه معکوس با بزهکاری دارد.

خویشن‌داری که در تعریف آن میزان کنترلی که فرد در موقعیت‌های بزهکاری بر خودش دارد گفته می‌شود، در اکثر تحقیقات انجام شده ارتباط با دوستان بزهکار ذکر شده است.

وقتی فرد در گروه بزهکاری و ارتباط با بزهکاران باشد بالطبع توان کنترل آن برای بزهکاری کاهش می‌یابد و این فرض را بصورت منطقی و استدلالی می‌توان پذیرفت.

فرضیه دوم: پیوند اجتماعی رابطه معکوس با بزهکاری دارد.

پیوند اجتماعی که در تعریف آن از میزان ارتباط فرد با دیگران بیان شده است و چهار بعد دلبستگی (به خانواده، دوستان و مدرسه) تعهد و مشغولیت و اعتقاد را شامل می‌شد، در اکثر تحقیقات انجام شده عدم همبستگی با خانواده و مدرسه، ترک تحصیل و تحصیلات پایین و عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و عدم احترام به قانون ذکر شده است که از شاخص‌های خویشن‌داری پایین می‌باشد. بنابراین این فرض را نیز می‌توان به صورت منطقی معنادار دانست.

فرضیه سوم: خویشن‌داری با پیوند اجتماعی رابطه مستقیم دارد.

ما اگر خانواده و گروه همسالان را به عنوان نهادهایی که در جامعه‌پذیری شخص نقش مستقیم و بی‌واسطه را دارند، بدانیم، می‌توانیم متوجه اهمیت آنها در میزان خویشن‌داری و کنترل فرد بر خودش باشیم. در تحقیقات بررسی شده اغلب افراد بزهکار از فرایند اجتماعی شدن مناسب محروم بوده‌اند.

وقتی پیوندهای فرد با خانواده کم و تمام کارکردهای حمایتی خانواده متوجه گروه‌های دوستی می‌شود، لاجرم میزان خویشن‌داری پایین می‌آید. بنابراین اساس نیز می‌توانیم رابطه بین پیوند اجتماعی و خویشن‌داری را معقول و منطقی بدانیم.

بنابراین ما نظریات هیرشی و گات فردسون را می‌توانیم بصورت تحلیلی از مطالعات انجام شده که در شهرهای مختلف ایران انجام شده منطقی‌اً استخراج کنیم و در نهایت بیان کنیم که از اهم دلایل بزهکاری نوجوانان پیوند اجتماعی ناقص و پایین بودن خویشن‌داری شخص می‌باشد.

پیشنهادات

- ۱- دقت و توجه به گروه‌های همسال و دوستان معاشر.
- ۲- رفع اختلافات خانوادگی و خودداری از بدرفتاری و خشونت.
- ۳- تاسیس کانون‌های مشاور فعال در مدارس و دبیرستان‌ها
- ۴- جرم‌زدایی در میان نوجوانان از طریق مجازات‌های نرم
- ۵- حمایت خانواده از نوجوانان و دادن فرصت جبران به آنها
- ۶- ارتباط بیشتر والدین با مدارس و دبیرستان‌ها برای یافتن راهکارهای مناسب برای نزدیکی به نوجوانان و اعتماد متقابل میان نوجوان و والدین و مدرسه
- ۷- افزایش آگاهی عمومی از طریق رسانه‌های جمعی درباره بزهکاری و راه‌های پیشگیری از آن به منظور گوشزدی به خانواده‌ها و پیشگیری از وقوع بزهکاری.
- ۸- احداث مراکز فنی حرفه‌ای در مناطق مختلف و برنامه‌ریزی برای فعالیتهای نوجوانان

منابع

- ۱- جلائی پور، حمید رضا و حسینی نثار، مجید (۱۳۸۸) عوامل اجتماعی موثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت، پژوهشنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران، شماره دو.
- ۲- بخشی زاده، امین (۱۳۹۲) قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات چراغ دانش.
- ۳- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۳) تحلیل کوواریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره هفت.
- ۴- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری ایران، سرشماری سال ۱۳۹۰
- ۵- مشکانی، محمد رضا و مشکانی، زهرا السادات (۱۳۸۱) سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان، مجله جامعه شناسی ایران دوره چهارم، شماره دو.
- ۶- احمدی، حبیب و خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۸) عوامل اقتصادی و اجتماعی بزهکاری نوجوانان شهرستان آباده، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره سی و سه.
- ۷- سالار، ملیحه (۱۳۸۴) بررسی ساختار اجتماعی علل بزهکاری نوجوانان پسر شهر گرگان، کانون اصلاح و تربیت ، سال چهارم، شماره چهل و پنج.
- ۸- علیخوئی، همزه و محمودی ، احمد رضا (۱۳۸۹) بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موثر بر بزهکاری نوجوانان و جوانان استان خوزستان، کانون اصلاح و تربیت ، سال دهم، شماره صد و نه
- ۹- مختاری، عباس (۱۳۸۵) نقش عوامل خانوادگی موثر بر بزهکاری نوجوانان، کانون اصلاح و تربیت، سال پنجم، شماره پنجاه و یکم.
- ۱۰- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹) جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- ۱۱- نوری، زینب (۱۳۸۹) بررسی تاثیر خانواده نابسامان در گرایش فرزندان نوجوان به بزهکاری در شهر اهواز، کانون اصلاح و تربیت، شماره نود و شش.
- ۱۲- چلبی، مسعود و روزبھانی، توران (۱۳۸۰) نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره بیست و نه.
- 13-Marshall. Gordon (1998) A Dictionary of Sociology, New York: Oxford
- 14 - Siegel. L. J (2000) Criminology: Theories, Patterns, and typologies, university of Massachusetts. 7th ed
- 15-Gottfredson. Michael R, Hirschi. Travis (1990) a General theory of crime, stanford, CA: Stanford university press
- 16 -Reid. Sue itus (2000) Crime and Criminology, Ninth Edition, Mc Graw – Hill Companies

Sociological analysis of juvenile delinquency

Abstract

If we consider delinquency as any current act or omission for which punishment is determined by the law, as well as behavior that is against the generally accepted norms, it leads to an increase in delinquency among teenagers by looking at the statistics announced by correctional centers, the news that is announced from newspapers and other mass media and also by looking at your surroundings, streets and parks and so on. We will understand in a tangible way, and since teenagers have enough time to compensate and reform, it is possible to prevent the occurrence of crime in their youth and adulthood by preventing juvenile delinquency, and social security will not be irreparably damaged. In this research, the sociological explanation of the causes of juvenile delinquency has been discussed, and in the form of a review study and comparative analysis, with the theoretical framework of Travis Hirschi and Gut Fredson, we investigated the causes of delinquency, and in the results of the research, we have stated that incomplete social connection and low self-control are the causes of delinquency. It is teenagers

Keywords: Delinquency, social bonding, self-control, juveniles